

نگاه تحلیلی

رویکرد لندن تابع رویکرد آمریکا و اروپاست



مرتضی مکی

تحلیل‌گر مسائل اروپا

در عرصه سیاست خارجی بریتانیا به‌ویژه در حوزه سیاست خاورمیانه‌ای، اختلاف‌نظر جدی میان دو حزب کارگر و محافظه‌کار وجود ندارد. البته اینگونه نیست که هیچ تفاوتی در جزئیات سیاست اجرایی احزاب کارگر و محافظه‌کار وجود نداشته‌باشد، اما در بُعد مسائل استراتژیک و بنیادین اختلاف‌نظر جدی وجود ندارد، هر چند ممکن است در اجرای سیاست‌ها کمی تفاوت میان مقام‌های حزب کارگر و حزب محافظه‌کار وجود داشته‌باشد. مهم‌ترین مثال در این مورد همسویی و همراهی نزدیک تونی بلر، رهبر وقت حزب محافظه‌کار و نخست‌وزیر بریتانیا در سال ۲۰۰۳ با جورج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا از حزب جمهوری‌خواه است. تونی بلر، چهره‌ای از منتهی‌الیه جناح راست حزب کارگر محسوب می‌شد و به همین دلیل بیشتر با حزب محافظه‌کار بریتانیا نزدیکی فکری و نظری داشت تا با جناح چپ حزب کارگر.

وقتی کارنامه سیاست خارجی نخست‌وزیران بریتانیا از احزاب کارگر و محافظه‌کار را نگاه می‌کنیم، تفاوت عمده و جدی در سیاست خاورمیانه‌ای مشاهده نمی‌کنیم. کی‌یر استارمر، رهبر حزب کارگر و نخست‌وزیر جدید بریتانیا در دورانی که به‌عنوان رهبر اپوزیسیون و نخست‌وزیر دولت سایه در پارلمان بریتانیا حضور داشت، موضع‌گیری مشخص و واضحی از عزم برای تحول در روابط لندن و تهران یا تلاش برای بهبود روابط با جمهوری اسلامی ایران نشان نداده‌بود.

دوره‌ای که در سال‌های نخست قرن ۲۱ در دوران وزارت خارجه جک استراو، بریتانیا کنش‌گر فعالی در گفت‌وگوهای هسته‌ای بود، سیاست بریتانیا ناشی از فضای کلی حاکم بر اروپا بود که تلاش می‌شد از طریق گفت‌وگو و مذاکره با ایران، دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی که بابت برنامه هسته‌ای ایران به وجود آمده‌بود، حل‌وفصل شود. در مذاکرات منتهی به برجام هم اگر سیاست‌ها و مواضع بریتانیا را ارزیابی کنیم، درمی‌یابیم که سیاست‌های لندن متعادل‌تر و متوازن‌تر از قدرت‌های اروپایی دیگر، یعنی آلمان و فرانسه بود. دلیل اصلی این رویکرد هم این بود که در آن دوران طرف اصلی مذاکرات، آمریکا بود و سیاست‌های بریتانیا بسیار تحت تأثیر و تحت‌الشعاع سیاست‌های آمریکا است و حتی در دوران دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا هم شاهد همسویی و همراهی لندن و واشنگتن بودیم. هر چند در برخی بزنگاه‌ها، مانند زمانی که دونالد ترامپ به دنبال محکوم کردن ایران در شورای امنیت بود، بریتانیا در کنار دو کشور دیگر اروپایی با این سیاست مقابله کرد و اجازه نداد که خواست آمریکا در شورای امنیت به کرسی بنشیند. ترامپ در مجموع سیاست‌هایی را در پیش گرفته‌بود که روابط ویژه آمریکا و بریتانیا را به چالش کشیده‌بود و لندن دوباره تلاش کرد تا رابطه متوازن‌تری را در دوره ترامپ در پیش بگیرد.

در این دوره نیز که هم‌زمان با برگزاری انتخابات در بریتانیا و روی کار آمدن حزب کارگر، در ایران نیز مسعود پزشکیان به مقام ریاست‌جمهوری برگزیده شده‌است، احساس می‌کنم اگر شاهد تغییر یا انعطافی در مواضع آمریکا در قبال ایران باشیم، قطعاً این تحول می‌تواند سیاست‌های بریتانیا را نیز در قبال ایران تحت تأثیر قرار دهد.

در سال‌های گذشته تحولاتی همچون وقوع جنگ اوکراین و ادعای حمایت تسلیحاتی ایران از روسیه در این جنگ و در پی آن اعتراض‌های پاییز ۱۴۰۱، در مواضع کشورهای اروپایی نسبت به ایران خیلی تأثیرگذار بود. این موضوع را می‌توان در مواضع گروه‌های چپ‌گرای که در گذشته روابط نزدیک‌تر و منطقی‌تری با تهران داشتند، مشاهده کرد. برای مثال در آلمان دو سال است که از روی کار آمدن حزب سوسیال‌دموکرات می‌گذرد و در این مدت شاهد بودیم که به‌ویژه پس از رویدادهای پاییز ۱۴۰۱ دولت آلمان رویکرد تندی را نسبت به تهران در پیش گرفته‌است.



مجید تفرشی

تحلیل‌گر مسائل

بریتانیا:
قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی
از زمان دولت اول ریشی سوناک مطرح شد. وزیر خارجه اسبق دولت بریتانیا، جیمز کلورلی، نخستین‌بار این مسئله را مطرح کرد. این موضوع هم در پارلمان بریتانیا و هم توسط گروه‌های فشار و گروه‌های حامی اسرائیل مطرح شد. هم در زمان وزارت جیمز کلورلی و هم در زمان وزارت لرد دیوید کمرون، هر چند وزرای خارجه بریتانیا موافق این کار بودند اما بدنه کارشناسی وزارت خارجه و دستگاه‌های امنیتی بریتانیا و دیگر دوایر تأثیرگذار از جمله وزارت دفاع در برابر این اقدام مقاومت کردند.»
تفرشی در مورد دلایل این موضع توضیح می‌دهد: «دلیل مخالفت بدنه کارشناسی نهادهای اثرگذار بریتانیا با قرار دادن نام سپاه پاسداران این نیست که ضرورتاً طرفدار نظام جمهوری اسلامی یا اقدامات سپاه پاسداران باشند، بلکه از نظر آنها اگر چنین اقدامی انجام شود تبعات منفی آن برای بریتانیا بیشتر از تبعات مثبت است. برای آمریکا و کانادا چنین اقدامی ساده‌تر است، چراکه روابط دیپلماتیک با ایران ندارند. اما برای بریتانیا که رابطه دیپلماتیک با تهران دارد و حتی در مواردی نیازهای دیپلماتیک کانادا و آمریکا را هم در رابطه با ایران پوشش می‌دهد، تصور آنها این است که اگر چنین اتفاقی رخ بدهد، ایران واکنش نشان می‌دهد و روابطش را با بریتانیا قطع می‌کند. به همین دلیل هم کلورلی و هم کمرون که در ابتدا موافق این اقدام بودند، وقتی در جایگاه وزارت مستقر شدند از چنین اقدامی اجتناب کردند و به نظر می‌رسید که در مقابل استدلال‌های بدنه کارشناسی اکتفا شدند.»

مجید تفرشی معتقد است که دولت بریتانیا در کوتاه‌مدت دست به این اقدام نخواهد زد و می‌گوید: «حزب کارگر هم به‌عنوان یک حربه تبلیغاتی علیه حزب محافظه‌کار در موقعیت‌های مختلف از این موضوع استفاده کرده‌است و اعلام کرد که اگر حزب کارگر به قدرت برسد، این اقدام بر زمین مانده را عملی خواهد کرد. تصور من این است که حزب کارگر، دست‌کم در کوتاه‌مدت دست به این اقدام نخواهد زد.» وی معتقد است: «درون حزب کارگر، فشارهایی وجود دارد که این اقدام انجام شود. از جمله گروه موسوم به دوستان کارگر اسرائیل (Labour Friends of Israel) تلاش می‌کنند که سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی قرار بگیرد. ولی افراد میانه‌روتر از کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر درون حزب و نه لزوماً جناح چپ حزب کارگر و همراهان پیشین جرمی کوربین، رهبر پیشین حزب، مخالف چنین اقدامی هستند.»

انتخاب انتقادبرانگیز

درون حزب کارگر انتقادهایی نسبت به انتخاب دیوید لابی به‌عنوان وزیر خارجه وجود دارد و گروهی از اعضای حزب، لابی را دارای تجربه کافی برای اداره سیاست خارجی بریتانیا نمی‌دانند. یک مشاور حزب کارگر پیش از معرفی لابی به‌عنوان وزیر در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه نشنال اسمارت می‌گوید: «افراد درون و اطراف دولت تصور می‌کنند که معرفی او برای این پست خیلی تصمیم عاقلانه‌ای نیست و دولت حزب کارگر باید به فکر معرفی فردی باشد که دیدگاه قابل قبول‌تری به غزه دارد و اجازه ندهد که وضعیت جاری به یک قاعه منجر شود.» آدموند فیتون براون، سفیر پیشین بریتانیا در یمن می‌گوید: «سوال اینجاست که استارمر با توجه به مدت طولانی که حزب کارگر از قدرت دور بود چه گزینه‌های دیگری برای قرار دادن در این پست از بین نمایندگان پارلمان دارد که تجربه عملی در حوزه دیپلماسی داشته‌باشد. درون نمایندگان حزب کارگر می‌توان به داگلاس الکساندر [وزیر پیشین دولت در امور توسعه بین‌الملل در دوره نخست‌وزیر گوردون براون که در دولت جدید به وزارت پیشه و تجارت رسید] اشاره کرد که اگر استارمر فکر کند که بریتانیا در حوزه سیاست خارجی با تصمیم‌های فوری و سخت مواجه است، می‌تواند گزینه بسیار خوبی باشد.»

دیپلمات‌ها



روسیه امیدوار به روابط با ایران

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین روز دوشنبه در نشست خبری در پاسخ به پرسشی درباره رئیس‌جمهور جدید ایران گفت: روسیه برای انتخاب مردم ایران احترام زیادی قائل است و برای رئیس‌جمهور جدید ایران آرزوی موفقیت می‌کند. روسیه امیدوار است به همکاری نزدیک و روابط متحدانه با ایران ادامه دهد. سخنگوی دفتر ریاست‌جمهوری روسیه با بیان اینکه هم‌اینک روند توسعه روابط ایران و روسیه از یوایی مثبتی برخوردار است، خاطر نشان کرد: مسکو انتظار دارد روابط مبتنی بر شراکت نزدیک با تهران در بخش‌های مختلف را ادامه دهد. این سخنان پس از آن بیان شد که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه روز شنبه به دنبال مشخص شدن نتیجه انتخابات با ارسال پیام تبریکی به مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور منتخب ملت، پیروزی وی در انتخابات را تبریک گفت.



لایحه همکاری ۲۰ ساله ایران و سوریه

«محمد مخبر» سرپرست ریاست‌جمهوری طی نامه‌ای به محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و در راستای اجرای اصل ۷۷ قانون اساسی، لایحه موافقت‌نامه همکاری‌های راهبردی و بلندمدت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه را به قوه مقننه ارسال کرد. مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی، هر گونه عهدنامه، مقاوله‌نامه، قرارداد و موافقت‌نامه بین‌المللی میان جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دیگر یا نهادهای بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. این لایحه به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی به‌عنوان رئیس کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و سوریه در جلسه ۲۷ خرداد سال جاری در هیئت دولت به تصویب رسیده بود. ماده واحد لایحه همکاری‌های بلندمدت اقتصادی ایران و سوریه مشتمل بر یک مقدمه و ۵ ماده بود که مطابق بند ۲ ماده ۵ این لایحه، مدت زمان موافقت‌نامه ۲۰ سال بوده و تا زمان انجام تعهدات از سوی سوریه و بازپرداخت خطوط اعتباری تهران به دمشق، قابل تمدید است.



تلاش اسرائیل برای شکست ایران

وزیر جنگ اسبق رژیم اسرائیل می‌گوید که بدون شکست ایران و ناکام گذاشتن برنامه هسته‌ای این کشور پیروزی بر حماس و حزب‌الله ممکن نیست. «ویکتور لیرمن»، وزیر جنگ اسبق رژیم صهیونیستی و رهبر کنونی حزب «اسرائیل ییتنوا» این اظهارات را در دیور (دوشنبه) در گفت‌وگو با رادیو ارتش اسرائیل (گلگلتز) بیان کرده است. او ابتدا به انتقاد از عملکرد و سیاست‌های «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر این رژیم در جنگ غزه پرداخت و گفت: «آنچه باید بدانیم این است که ما رهبری داریم که رویدادهای هفتم اکتبر (عملیات طوفان الاقصی) را درک نکرده و نفهمیده است. این رهبری در رویدادهای ششم اکتبر گیر کرده و هیچ ایده‌ای برای چگونگی پایان جنگ ندارد و توانسته ما را به جنگی فرسایشی و بی‌هدف بکشاند.» براساس گزارش پایگاه خبری «عرب‌۴۸»، وزیر جنگ اسبق رژیم اسرائیل در ادامه اضافه کرد: «نمی‌توان بدون شکست ایران پیروز شد؛ نه بر حماس و نه بر حزب‌الله. ما باید برنامه هسته‌ای آن‌ها را شکست دهیم. آمریکا جنگ جهانی دوم را علیه ژاپن آغاز کرد و کسی نپرسید که پیروز کیست؟!»